

اصطبل شاهى در اصفهان و نقشه محله کاخ

از انگلبرت کمپفر در سال ۱۷۱۲ م.^۱

هاینتس لوشی^۲

مترجم: سارا ماریا مایر

موزه بریتانیا دارای طاق کاشی‌دار با نقش سگ بی‌وفای یک چوپان ست. در مقاله حاضر، موضوع، زمان ساخت و همچنین مکان اصلی نصب این طاق مورد بررسی قرار می‌گیرد.^۳ ذکر اصل آن - «از اصطبل شاهى کاخ شاه عباس، اصفهان» - به مسئله مکان اصطبل شاهى و سپس به مشکل بازسازی تمام محله شاهى به وسیله نقشه‌نگاری انگلبرت کمپفر منجر می‌شود. چنان‌که از جایی در کتاب «زیبایی‌های کم‌نظیر» (*Amoenitates Exoticae*)^۴ از انگلبرت کمپفر - اثری که زیاد به آن خواهیم پرداخت - بر

۱. این مقاله در سال ۱۹۷۹ میلادی در مجله «Iran» (شماره ۱۷، ص ۷۱-۷۹) تحت عنوان „Der königliche Marstall in Isfahān und Engelbert Kaempfers Planographia des Palastbezirkes 1712”

منتشر شده است. از جناب دکتر منصور صفت گل، استاد بزرگوار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، که مقاله حاضر را به بنده معرفی کرده و پیشنهاد ترجمه آن را داد، برای کمک‌های همیشگی ایشان بسیار سپاسگزارم. همچنین از جناب استاد باستانی پاریزی به سبب کمک برای انتشار و بسیار تشکر می‌کنم.

2. Heinz Luschey

۳. اصطلاحات و جملات لاتینی در نخستین جای موجود در پانویس آورده شدند. این هم برای جمله‌های فرانسه درست است که مانند بیشتر اصطلاحات لاتینی در مقاله آلمانی ترجمه نشده‌اند. عناوین کتاب همچنین طبق معنی آنها ترجمه شده‌اند، حتی اگر ترجمه فارسی موجود باشد. در این صورت، عنوان فارسی و مشخصات کتاب فارسی در پانویس آورده شده است. [م.]

4. Engelbert Kaempfer, *Amoenitates Exoticarum Politico-Physico-Medicarum Fasciculi V*, Lemgo, 1712.

می‌آید، به نظر می‌رسد در اصفهان، اصطبل‌های شاهی مختلف وجود داشته‌اند: «اسب‌ها، همه در یک اصطبل گذاشته نمی‌شدند، بلکه بسته به قیمت و رنگ، در اصطبل‌های مختلف قرار می‌گرفتند».^۱ همچنین انتظار می‌رود که در محله باغ و کاخ وسیع هزار جریب در جنوب زاینده رود، اصطبل‌های بزرگی بوده باشند، برای اینکه کمپفر مسیر اسب سواری با دیرک و ستون‌ها را ذکر می‌کند.^۲ در محله کاخ اصلی بین میدان بزرگ و چهارباغ، باید دست کم به سه ساختمان توجه کرد: نخست «تالار اصطبل» کنار عالی قاپو به سمت جنوب؛ دوم، اصطبل‌های اضطراری نزدیک چهارباغ و سوم، اصطبل‌های اصیل و خانه‌های استادان اصطبل و کمک‌های اصطبل در مرکز تأسیسات در «خیابان بسته»^۳ (طرح ۲).

ژان شاردن و انگلبرت کمپفر، منابع اصلی ما برای بنای نخستین شاردن در اثر تاجگذاری سلیمان^۴ از سال ۱۶۷۱ میلادی (تاجگذاری در سال ۱۶۶۶ م. بود) می‌نویسد: «تالار طویل به معنی تالار اصطبل است و به خاطر این نامیده می‌شود که در آنجا بعضی اوقات رژه اسب برگزار می‌شود ... چون خود تالار به معنی سالن مرتفع به سبک صحنه و طویل به معنی اصطبل یا هر جای دیگر است که در آن اسب گذاشته می‌شود».^۵ تصویر روی جلد آن کتاب بیشتر شبیه به تزئینات باروک با ستون‌های پیچیده، مانند تابرناکل برنینی در سن پترزبورگ است، اما قلمکاری کوچک در صفحه یک، عالی قاپو را کمابیش درست نشان می‌دهد.

شاردن در جلد هشتم سفرنامه بزرگ خود - که شامل شرح معروف از اصفهان است - همان اصطلاح را به کار می‌برد: «تالار طویل، یعنی سالن اصطبل».^۶ شاردن به یکی از جلدهای پیشین اشاره می‌کند، اما جزئیاتی مانند اینکه «در هنگام تعطیلات و پذیرایی سفراء زیباترین اسب‌های اصطبل به وسیله زنجیرهای طلایی به نه یونجه‌دان متصل می‌شدند» را می‌آورد.^۷

نگارنده سال‌ها پیش یک جلد از این کتاب نادر را در لندن خریدم). ترجمه‌های انتخاب شده از کارل مایر - لمگو: K. Meier-Lemgo, *E. Kaempfer Seltsames Asien*, 1933.

K. Meier-Lemgo, *E. Kaempfer erforscht das seltsame Asien*, 1960.

نخستین کتاب (اصفهان) به طور کامل در اثر:

Am Hofe des persischen Großkönigs, 1940, 2. Aufl. 1977.

موجود است که به تلاش والتر هینتس چاپ شده است. این کتاب به کوشش کیکاووس جهاننداری ترجمه شده؛ سفرنامه انگلبرت کمپفر، چاپ سوم، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳. [م.]

1. "Non eodem stabulo omnes equi sed pluribus aluntur, pro coloris et pretii varietate discreti", *Amoenitates Exoticarum*, p. 131; Hinz, p. 157.

2. *Amoenitas Exoticae*, p. 195; Hinz, p. 224.

3. «Via clausa»

4. *Le couronnement de Soleimaan*

5. Jean Chardin, *Voyages de Mr. le Chevalier Chardin en Perse...*, 1711, p. 113.

ترجمه فارسی از قسمت شهر اصفهان به کوشش حسین عریضی؛ ژان شاردن، سفرنامه شاردن، چاپ دوم، تهران، نگاه، ۱۳۶۲. [م.]

6. Chardin, p.70.

۷. به نظر می‌رسد که در ذکر اندازه این یونجه‌دان - «صد و چهار قدم طول، شانزده قدم عمق و بیست و پنج کف

انگلبرت کمپفر (۱۶۵۱-۱۷۱۶ م.) - که بین سال‌های ۱۶۸۴ و ۱۶۸۵ میلادی برای مدت بیست ماه در اصفهان بود - با کمک «سوزنی مغناطیسی»^۱ سه ماه تلاش می‌کند تا نقشه شهر را درست کند^۲ و از این لحاظ بر شاردن پیشی می‌گیرد که وی گذشته از شرحی مفصل و قلمکاری‌ها، نخستین کسی است که «نقشه جایگاه حکومت»^۳ (تصویر ۱) را می‌آورد. اثر نادر کمپفر - دست کم جلد اول آن در مورد دربار اصفهان - که به زبان لاتینی عالمانه و دشواری نوشته شده است، از طریق ترجمه آن توسط والتر هینتس و به واسطه آثار منتشر شده گوناگون کارل مایر-لمگو^۴، به صورتی قابل فهم درآمد. از آثار منتشر نشده کمپفر که وارثان وی آن را میان سال‌های ۱۷۲۳-۱۷۲۵ میلادی به لورد اسلون^۵ فروخته‌اند، هرچند تاریخ ژاپن^۶ در سال ۱۷۲۷ م. به تلاش لورد اسلون منتشر گردیده، اما دیگر نوشته‌ها در موزه بریتانیا هنوز بررسی نشده‌اند.^۷ انگلبرت کمپفر در سه جا در مورد «تالار طویل» سخن می‌گوید: نخست، مانند شاردن، به عنوان مکان تاجگذاری شاه سلیمان^۸ همراه قلمکاری بزرگی (تصویر ۲a) از تالار با چهار ستون نما، سالن ورودی

پای ارتفاع» - مقیاس پا و قدم در هم آمیخته شده باشد. ای. یو. پوپ ذکر اندازه را چنان تفسیر می‌کند: صد پا (سی متر و نیم) طول، بیست و شش پا (تقریباً هشت متر) عمق و پنج پا (تقریباً هفت متر و نیم) ارتفاع: A. U. Pope, *Survey of Persian Art*, p. 1198.

ترجمه فارسی و اقتباس به کوشش پرویز خانلری؛ آرثر آپهام پوپ با همکاری فیلیپ آکرمن و اریک شرودر، شاهکارهای هنر ایران، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۸۰. [م.]

1. «acu magnetica»

2. *Amoenitas Exoticae*, p. 168; Hinz, p. 197.

3. «*Planographia sedis Regiae*»

۴. رجوع کنید به پاورقی شماره ۴ و افزون بر این:

Karl Meier-Lemgo, *Die Briefe E. Kaempfers*, 1965.

Karl Meier-Lemgo, *Die Reisetagebücher E. Kaempfers*, 1968.

در باب قدردانی کمپفر:

Alfons Gabriel, *Die Erforschung Persiens*, 1952, p. 111.

ترجمه فارسی به کوشش فتحعلی خواجه نوربان؛ آلفونس گابریل، تحقیقات جغرافیای راجع به ایران، تهران، اساطیر، ۱۳۸۷. [م.]

5. Lord Sloane

6. *History of Japan*

۷. در مورد لورد اسلون و آثار منتشر نشده کمپفر:

Basil Gray, *BMQ XVIII* (1953), p. 20 f.

از آلبوم اسلون دو طراحی چاپ شده‌اند در:

Isfahan, City of Light, Exp. London 1976.

همچنین رجوع کنید به:

Eleanor Sims, *Persian and Mughal Art*, Colnaghi, 1976, p. 246 f.

Ingeborg Luschey-Schmeisser, *AMI XI*, 1978.

Amoenitas Exoticae, p. 171.

8. *Amoenitates Exoticae*, p. 35; Hinz, p. 54.

عمیق و گوشه‌ای طاق‌دار در زمینه را می‌آورد. دیوارها از تزئین پیچک، که تصور می‌رود یا تصویر یا کاشی باشد، پوشیده شده‌اند. سالن دور تا دور حاکم جدید با مجلس جشن اشباع است. در پس زمینه، بخشی از باغ با دو درخت، حوضی با فواره‌ها و باغچه‌هایی محصور از گل دیده می‌شود. روی سقف، ستاره‌شناسان به وسیله دوربین و کره آسمان، وضعیت صور فلکی را می‌نگرند. بالای قلمکاری، کتیبه «تالار طویل» است. ذکر دوم در صفحه صد و هفتاد و هشت (هینتس ص ۲۰۷) قرار دارد، جایی که توضیح حرف «m» در قلمکاری «نقشه جایگاه حکومت» آورده شده: «Bagi tauleh, seu hortus stabuli»؛ یعنی: باغ طویل، باغ اصطبل است. صفحه صد و هشتاد و یک به بعد (هینتس ص ۲۱۰) به این مسئله مربوط است: «باغ اصطبل دقیقاً جای میان دو راه گردش را^۱ که از میدان شاه جدا می‌شوند می‌گیرد. یکی تا حرمسرا و دیگری تا باغ‌ها امتداد می‌یابد؛ بنابراین، این فضای باغ نسبتاً تنگ است»^۲. و بعد: «کاخ در انتهای جنب باریک غربی باغ قرار دارد و دارای تالار ایوانی باز با چهار ستون هشت لبه است. این ستون‌ها، زیر سقف نمای صاف پایه می‌گذارند». کمپفر در ادامه به قلمکاری در صفحه ۳۵ اشاره می‌کند. ارکان بیرونی را که تصور وجود شش ستون ایجاد می‌کنند، می‌توان جهت نمای دیوارهای کناری دانست. شرح باغ و بنا با طرح «نقشه نگاری» و با بازسازی آن توسط اُگینیو گلدیتری^۳ که همچنین مبتنی بر تصویر نقشه امروزی است، مطابقت دارد. با اجازه دوستانه اُگینیو گلدیتری، بازسازی وی اینجا آورده می‌شود (طرح ۱ و ۲).^۴ کمپفر در ادامه بیش‌تر به نامگذاری تالار می‌پردازد:^۵ «نامش به این مربوط است که اینجا سابقاً آن اسب‌هایی که همیشه باید در اختیار شاه باشند، قرار داشتند، اما الان^۶ اصطبل به سمت دیگر حرمسرا انتقال داده شده و بنابراین فضای به وجود آمده را به پارک زیبایی تبدیل کرده‌اند. تزئین عمده آن، کاخ اصطبل و فواره است». در ادامه به اصطبل با اسب‌های آماده – که در کنار چهار باغ قرار داشت – می‌پردازیم. آن در «نقشه» به عنوان «آن جهت حرمسرا»^۷ با حرف «w» و در تصویر ما (۲) به عنوان «مکان چهل اسب»^۸ آمده است. همچنین به نظر می‌رسد که استقبال هیئت هالشتاین در سال ۱۶۳۷ م. در تالار طویل برگزار شده است. شرح آدام اولتاریوس (۱۵۹۹-۱۶۷۱ م.) در «شرح جدید از سفر به شرق»^۹ (۱۶۴۷ م.) از راه هیئت که از

1. «ambulcaris»
2. “Adeo que satus angustum”
3. Eugenio Galdieri
4. E. Galdieri, «Les Palais d’Isfahan», in: *Iranian Studies* VII (1974), p. 380 f.; E. Galdieri, «Relecture d’une gravure allemande du XVIIIème siècle comme introduction à une recherche archéologique», *Akten des VII. Intern. Kongresses für die Kunst und Archäologie Irans*, München, 1976 (6. Ergänzungsband des AMI, 1979).
5. *Amoenitas Exoticae*, p.182; Hinz, p.210.
6. «quondam»
7. «nunc»
8. «ad alter gynicaei latus»
9. «locus quadriginta equorum»
10. *Neue Orientalische Reisebeschreibung*

اصطبل شاهی در اصفهان و نقشه محله کاخ.../ سارا ماریا مایر

عالی قاپو شروع می‌شود، این واقعیت را نشان می‌دهد: «ما را به یک حیاط دراز و باریک راهنمایی کردند. هر دو طرف آن حیاط علاوه بر دیوارهای اصلی، دارای دیوارهای کوتاه‌اند... در پایان حیاط به طور عرضی ایوان باز قرار داشت که شاه درون آن پذیرایی می‌کرد... به فاصله اندکی این دیوانخانه در پشت درخت‌ها، تقریباً پنجاه تا از اسب‌های شاه و کنار خانه اسب‌های زیبای عربی فراوانی که برای سواری آمده بوده‌اند، گذاشته شده‌اند. زین‌ها و لگام‌های آنها با زر ناب پوشیده و مزین به سنگ‌های قیمتی‌اند. همه آن اسب‌ها زیر آسمان باز ایستاده‌اند». قلمکاری صفحه ۳۸۶ مربوط به این مسئله است و هم در بخش چهارم «شرح مفصل‌تر از سفر به مسکو و ایران»^۲ (۱۶۹۶ م.) همراه بیتی اضافی آمده است (تصویر 2b).

این متن و متن شاردن، با هم داستان انتقال اصطبل را چنان که به کمپفر در اصفهان (۱۶۸۴-۱۶۸۵ م.) گفته شده است، توصیف می‌کنند. بر این اساس، در سال ۱۶۳۷ م. اسب‌های شاه، آماده برای سواری و در حدود سال ۱۶۷۷ میلادی (آخرین حضور شاردن در اصفهان) حداقل هنوز نه اسب برجسته در هوای آزاد ایستاده بودند. در فاصله آن زمان تا حضور کمپفر، به اصطبل در طرف دیگر حرمسرا منتقل شدند.

اکنون پرسش این است: آیا دیوانخانه‌ای که اولتاریوس شرح و طراحی می‌کند، با بنایی که بعداً تالار طویله نامیده می‌شود، یکی است یا آیا آن دیوانخانه، بنای پیشین است؟ تطبیق شرح‌ها نشان می‌دهد که ایوان با چهار ستون، سالن ورودی عمیق، گوشه طاق‌دار در دیوار پشتی و سقف نرده‌دار، همین هستند؛ همچنین تزئین پیچک دیوارها، نرده تراس و سه تا پله، این موضوع را تأیید می‌کند.^۳

تنها یک عنصر تزئین دیوار تغییر یافته و اینکه نقاشی‌های روی دیوار از بین رفته‌اند. اولتاریوس در سال ۱۶۴۷ م. می‌نویسد که «در سمت چپ، سه تابلوی بزرگ با نقاشی‌های اروپایی مربوط به تاریخ آویخته شده‌اند». از قلمکاری چنان بر می‌آید که روی نقاشی جلو، اسب‌سوار با ردایی در اهتزاز کشیده شده، در حالی که اسب چهار نعل راه می‌رود. به نظر می‌رسد سوار به پشت نگاه می‌کند و با تفنگش به موجودی تاریک که شاید خرس یا دشمن دیگری باشد، تیر می‌اندازد. روی نقاشی دوم، جنگجویان پیاده با شمشیر

1. Adam Olearius, *Neue Orientalische Reisebeschreibung*, 1647; *Viel vermehrte Moscovitische und Persianische Reisebeschreibung*, 1696 (شامل نخستین ترجمه وی از گلستان سعدی).

ترجمه به کوشش احمد بهپور؛ اولتاریوس، آدام، *سفرنامه اولتاریوس (ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی)*، تهران، بانتکار، ۱۳۶۹. [م.]

راجع به قدردانی اولتاریوس:

Johann Wolfgang von Goethe, *Noten und Abhandlungen zum Westöstlichen Divan*, 1819, p. 499.

Alfons Gabriel, *Die Erforschung Persiens*, p. 88 f.

D. Lohmeier, *Nachwort zu Faksimile-Nachdruck*, 1971.

2. *Viel vermehrte Moscovitische und Persianische Reisebeschreibung*

۳. اندازه‌ها کمی مشکل‌آفرین هستند. دوازده Klafter (چنان از جمله بعد معلوم می‌شود، این واژه آلمانی به معنی دو متر است؛ [م.]) طول، هشت Klafter عرض و شش Klafter ارتفاع تقریباً مساوی ۱۶*۱۶*۱۲ متر است و آن چنان مشابه اندازه‌های شاردن نیست. رجوع کنید به پاورقی شماره ۱۱.

با هم می‌جنگند. احتمالاً بازسازی این نقاشی‌ها زیاد قابل اعتماد نباشد. مزیت قلمکاری اولتاریوس در مقابل قلمکاری متأخر کمپفر بر این است که به ما نه تنها حیاط، نما و درون بنا، بلکه هم موقعیت آن در باغی کوچک میان دو دیوار را نشان می‌دهد. آن با شرح کمپفر – «بسیار باریک»^۱ – و با «نقشه» وی مطابقت دارد. همچنین «اسب‌های آماده در کنار خانه» روی قلمکاری نمایان هستند. مانند ذکر شاردن، دقیقاً نه تاست. از طریق مقایسه متون اولتاریوس، شاردن و کمپفر، تاریخ بنای «اصطبل‌های آن جهت حرمسرا» به دست می‌آید و این میان سال‌های ۱۶۶۶ یا ۱۶۶۷ و ۱۶۸۴ م. است. در حالی که مشخص کردن محل «تالار اصطبل» نسبتاً آسان بود، پیدا کردن محل اصطبل‌های اصلی بسیار دشوارتر است. متن کمپفر^۲ و «نقشه» وی (تصویر ۱) تنها منبع ماست. دلیل عدم استفاده از این قلمکاری و شرح آن در بازسازی‌های کنونی^۳ این است که آنها جدی گرفته نشده‌اند. نویسنده اعتراف می‌کند که خود به دلیل طراحی نادرست از بنای اصلی هشت بهشت، گیج شده بودم. به سبب خیابان اریب که در این محیط برای من ناآشنا بود و شکل بناهای حرمسرا که انسان را به یاد ورسای می‌اندازند، به نظرم رسید آنها تخیل معماری باروکی مشابه بازسازی‌های تخت جمشید از فیشر فن ایرلاخ^۴ باشند که فقط در نزدیکی میدان و چهل ستون قابل اعتماد باشند. دریافتی را که «نقشه» انگلبرت کمپفر سند توپوگرافی اصلی قابل واریسی ست و می‌توان آن را عمدتاً

1. «satis angustum»

2. *Amoenitas Exoticae*, pp. 178, 187; Hinz, pp. 207, 216.

۳. همه بازسازی‌های کنونی مبتنی بر نقشه سال ۱۸۴۰ م. هستند:

P. Coste, *Monuments modernes de la Perse*, 1867, table 3; Reprint: F. Sarre, *Denkmäler Persischer Baukunst*, 1901-1910, 73, table 92. E. Wirth in: H. Gaube and E. Wirth, *Der Bazar von Isfahan*, 1978, Schriften zum Tübinger Atlas des Vorderen Orients, Reihe B Nr. 22, p. 17

(در نقشه چهارم با شکل اصلی)

. E. E. Beaudouin, *Urbanisme II* (1933), Nr. 10. Reconstructed Plan of Esfahan, p. 18, Palace Quarter pp. 24-5, adopted by Beaudouin and Pope, *City Plans in Pope, Survey*, p. 1391, fig. 512. Reconstruction of Farah Abad, p. 33, *Survey*, 1434, fig. 517. D. Wilber, *Persian Gardens and Garden Pavilions*, 1962, 80, fig. 30 and *Iranian Studies IV* (1974), p. 406 f., fig. 1. Not only based on Chardin but also on Beaudouin (mentioned within bibliography). Adopted by Ingeborg Luschey-Schmeisser, *The Pictorial Tile Cycle of Hast Behest in Isfahan and its Iconographic Tradition*, Reports and Memoirs XIV, IsMEO, 1978.

N. Ardalan and L. Bakhtiar, *The Sense of Unity*, 1973, p. 126, fig. 119.

K. Würfel, *Isfahan*, 1974, p. 34 f.

H. Stierlin, *Isfahan, Spiegel des Paradieses*, 1976, fig. p. 26-7.

Isfahan, City of Light, Exhibition, Ministry of Culture and Arts of Iran, London, 1976, fig. 81.

۴. رجوع کنید به:

G. Kunoth, *Die Historische Architektur Fischer von Erlachs*, 1956, p. 120 f., fig. 102.

در آنجا هم بازسازی عالی قاپو و بنای باغی «به سبک ایرانی» که از آن برانگیخته شده است، ص ۱۰۳ به بعد، تصویرهای ۸۴ تا ۸۶ و ۱۵۳.

اصطبل شاهی در اصفهان و نقشه محله کاخ.../ سارا ماریا مایر

عینی گرفت، مدیون ایگینیو گلدیتری هستیم. وی از سال ۱۹۷۴ م. به بعد، اهمیت این قلمکاری را نشان می‌داد. نخست در همایش اصفهان در هاروارد و پس از آن در هفتمین کنگره بین‌المللی هنر و باستان‌شناسی ایران در سال ۱۹۷۶ میلادی در مونیخ، جایی که پژوهش خود را مبتنی بر نتایج بررسی در اصفهان به طور مفصل تر نشان داد.^۱ قلمکاری کمپفر از طریق تبدیل «نقشه» به طراحی پلانیمتریکی مدرن که به آن بناهای باقی مانده اضافه شدند، روشن ساخته شد (طرح ۱).

در مرحله بعد، گلدیتری همراه بناهایی که تنها ذکر شدند، به مقیاس یک به دو هزار و پانصد، وارد نقشه مدرن شهر کرد. بدین ترتیب، تصویری جدید از کل محله کاخ به دست آمد (تصویر ۲).

از برکت محبت ا. گلدیتری، اجازه نمایش دادن نقشه‌های بازسازی شده وی را (به سبک بازطراحی ساده تر از ه گوبه) دارم و از ایشان بسیار سپاسگزارم. معلوماً باید همیشه از متن وی استفاده کرد که در پرونده‌های همایش منتشر خواهد شد. من در هنگام همایش، فرصت دیدن پیش چاپ آن را داشتم. تنها به وسیله این نقشه، سایر مطالب، قابل فهم است: بناهای باقی مانده محله کاخ با خط‌های عمودی (طرح ۱) یا با رنگ سیاه (طرح ۲) مشخص شده‌اند. آن بناها شامل عالی قاپو، ساختمان گنبددار پشت آن، تالار اشراف (بنای شاه عباس دوم، نما به سمت جنوب)، تالار تیموری (پیش از صفویه، نما به سمت میدان، یعنی شرق)، چهل ستون (شاه عباس اول و دوم)، هشت بهشت (شاه سلیمان) و بقایای چهار باغ هستند.

افزون بر این، بقایای ساختمان‌هایی که گلدیتری تازه در آن فضا مشخص کرده است: دیوار مرزی شرقی باغ هشت بهشت که دارای طاق‌های تزئینی ست، و باغ اردو با بقایای کاشی، کلاه فرنگی کوچکی که کمپفر آن را ذکر نکرده است و بنابراین متاخر است، شروع جنوبی «خیابان بسته» و یکی از دیوارهای ورودی حرمسرا. دیگر بقایای دیوار و کاشی از متن گلدیتری بر می‌آید. ساختمان‌هایی که تنها در «نقشه نگاری» موجودند، به شکل خطوط اصلی کشیده شده‌اند. گلدیتری بناهایی که احتمال می‌رود اصطبل‌های شاهی باشند را به شکل خطوط اصلی کشیده است. ما آنها را - که گذشته از تالار طویله، شامل دو مجموعه ساختمان در روبروی طرف دیگر حرمسرا هستند و تشریح «آن جهت حرمسرا»^۲ را دارند^۳ - در طرح ۲ به وسیله خطوط کج مشخص کرده‌ایم. به مجموعه نخست به عنوان «خانه‌های اصطبل داران و کمک‌های اصطبل؛ اصطبل»^۴ اشاره می‌شود (علامت توضیح «x» و «y»، تصویر ۲).

کمپفر این اصطبل را به شکل بنایی مثلی می‌کشد که در ادامه بخش کناری از آن جدا می‌شود. بنا و بخش کناری، دارای حیاط و گنبدهای کوچک زیادی هستند و کمپفر همه آنها را در زاویه‌ای میان دیوار شرقی باغ هشت بهشت، باغ اردو در غرب و دیوار شمال شرقی گلستان اضافه می‌کند. حیاط در شمال توسط «خیابان بسته» محدود می‌شود. خانه‌های اصطبل داران، در ساختمان درازی در طرف جنوبی «خیابان

۱. رجوع کنید به پاورقی شماره ۹.

2. «alterum gynicaeaecei latum»

3. *Amoenitas Exoticae*, p. 182; Hinz, p. 210.

4. «Hipparchorum mansiones, stabulum et stabulariorum mansil»

بسته» و مشتمل بر دو قسمت مرتفع و گنبددار قرار دارد. دو ورودی ساختمان به «خیابان بسته» و یکی به حیاط اصطبل می‌رسند. احتمال وجود نمایی با پنجره به سمت باغ اردو - که جزو حرمسرا بود - اندک است، چون که به گفته شاردن، آخرین کلاه فرنگی چهارباغ در جهت آن که روبروی باغ اردو بود، پنجره نداشت.^۱ ساختمان دیگر، همچنین در «آن جهت حرمسرا»، «محله چهل اسب آمده برای اسب سواری شاه»^۲ است.^۳ کمپفر این اصطبل با اسب‌های آمده را به شکل بنایی مثلثی دارای حیاط درونی و گنبدهای کوچک زیادی در نزدیک چهار باغ، در زاویه میان «خیابان بسته» و خیابان ورودی قدیم، به روی باغ چهل ستون می‌کشد و به آن حرف «S» متعلق می‌سازد. به نظر می‌رسد انتقال اسب‌ها برای سواری به اینجا، نزدیک چهار باغ، معقول باشد، برای اینکه شاه بنابر کمپفر از همین‌جا، انتهای چهار باغ بالایی، تقریباً هر روز با اسب سواری شروع می‌کرده است.^۴

تمام این بناها در «خیابان بسته، راه دیواری شهر قدیم»^۵ که خیابان عمودی است و از طریق دیوارها محصور می‌شود، قرار دارند. این راه هم به فرض دیگران^۶، در مسیر دیوار شهر قدیم واقع بود و هم «راه اسب سواری»^۷ نامیده می‌شد^۸ و از آن به عنوان فضای امکان حرکت برای اسب استفاده می‌کردند. از لحاظ مسیر، قسمت‌هایی از آن راه در خیابان جهانبانی مدرن هنوز هم وجود دارند، گر چه این خیابان کمی به سمت شمال‌تر قرار دارد. در شرح حرمسرا که محدوده سوم آن متکی بر دیوارهایی ست،^۹ کمپفر به مسیر آن دیوارها می‌پردازد: آنها به طور مایل از شمال به شرق امتداد می‌یابند، خلاصه «از شمال غربی به جنوب شرقی». انگلبرت کمپفر با دیدگاهی تقریباً شهرشناسی، از شروط تاریخی و همچنین کاربرد خیابان به عنوان جای تقسیم میان بخش کاخ رو به میدان بزرگ از یک سو و بناهای باغ و ساختمان‌ها به سمت چهارباغ، مانند باغ اردو، هشت بهشت و گلستان از سوی دیگر، آگاهی داشت.

وی زاویه بین محور طول میدان و همه بناهای متعلق به آن با چهارباغ را شناخته است و چنان که «نقشه نگاری» نشان می‌دهد، اندازه این زاویه هفده درجه است. بنابر نقشه‌های مدرن، اندازه زاویه هفده تا هجده درجه است. فلاندن و کوست فکر می‌کردند که میدان و چهار باغ مساوی باشند.

1. Chardin, VIII, p. 170.

2. «Quadráginta equorum, pro equitatione Regis paratorum locus»

3. *Amoenitas Exoticae*, p. 187; Hinz, p. 216.

4. *Amoenitas Exoticae*, p. 207; Hinz, p. 230.

5. «Via clausa, olim pomoerium palaiopolitenum»

۶. برای مسیر دیوار شهر رجوع کنید به:

L. Golombek, *Iranian Studies* VII (1974), p. 18 f., fig. 3.

Gaube and Wirth, *Der Bazar von Isfahan*, p. 31 f., fig. 15 and 16.

7. «Hippodromus»

8. *Amoenitas Exoticae*, p. 190; Hinz, p. 219.

9. «Moenibus a septrione in orientem oblique decurrantibus»; *Amoenitas Exoticae*, p. 200; Hinz, p. 228.

اصطبل شاهی در اصفهان و نقشه محله کاخ.../ سارا ماریا مایر

جی. این. کُرزن در کتاب *ایران و مسئله ایران*^۱ از نقشه فلاندن و کُست (۱۸۴۰ م.) هنوز به عنوان تنها مدارک استفاده می‌کند.^۲ تازه در سال ۱۹۲۴ میلادی نخستین نقشه از طرف ایران تهیه می‌شود.^۳ هر چند شاردن برای مدتی طولانی در اصفهان حضور داشت (۱۶۶۶ تا ۱۶۶۷ و ۱۶۷۲ تا ۱۶۷۷ م.) و شرح مفصل و سودمندی از آن شهر داده، اکیداً از طراحی نقشه دوری کرده است: «من هیچ وقت نقشه شهر را نکشیده‌ام، اما ذکر می‌کنم که ساخت آن به شدت غیرمنظم است؛ همچنین هیچ وقت شهر را طراحی نکردم...»^۴. بنا بر اطلاعاتمان، انگلبرت کمپفر نخستین کسی است که به طراحی نقشه‌ای از اصفهان می‌پردازد و آن را در صفحه ۱۶۸ (هینتس ص ۱۹۷) «طراحی کف یا تقریباً نقشه‌ای از اصفهان»^۵ می‌نامد. برای اینکه «نقشه» در مورد محله کاخ چشم انداز پرنده است، آن شامل هر دو گزینه، طراحی کف و نقشه به شکل چشم انداز پرنده، وجود دارند. کمپفر نخستین کسی است که از تخت جمشید طراحی کف با اندازه‌گیری به صورت مقیاس قدم را در اختیار می‌گذارد (ص ۳۲۹) و آن به طور شگفت انگیزی دقیق است. افزون بر آن، وی چشم‌انداز نمای تخت جمشید (ص ۳۲۵) و منظره از کوه به پایین، یعنی در واقع چشم انداز پرنده را می‌آورد، در حالی که بنا بر سنت چشم‌انداز شهر از مریان^۶ عمل می‌کند. کمپفر همچنین یک برنامه طراحی هم برای اصفهان ریخته بود. افسوس که این «نقشه شهر اصفهان» از دست رفته است. کمپفر دلیل عدم آوردن آن در اثرش را ذکر می‌کند،^۷ در حالی که از وجود قلمکاران بد موجود شکایت می‌کند (و می‌افزاید که قلمکار اف. و. براندسهاگن «نقشه نگاری» شهر اصفهان را [ص ۱۶۳] هم از ریخت انداخت). وی در ادامه می‌گوید که «بنابراین، نقشه شهر اصفهان متعلق به کتاب یک و همچنین طراحی^۸ خیابان شاهی چهارباغ، ساختمان‌ها و باغ‌های کناره آن، به ویژه هزار جریب و تصویرهای^۹ حیواناتی دیدنی را نیاوردم، گر چه گردآوری آن سه ماه طول کشید». از دست رفتن آن برای ما، واقعاً حیف است.^{۱۰}

1. *Persia and the Persian Question*

2. G. N. Curzon, *Persia and the Persian Question*, 1892, II, p.25.

ترجمه فارسی به کوشش وحید مازندرانی؛ جرج ن. کُرزن، *ایران و قضیه ایران*، ۲ جلد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹-۱۳۵۰. [م.]

3. Gaube and Wirth, pp. 5, 13 and 18, fig. 17 (رجوع کنید به پانویس شماره ۴۶)

4. «Je n'ai point pris le Plan de la ville, mais je remarquerai seulement que sa construction est fort irreguliere. Je n'en ai point pris de Vue non plus...», *Voyages*, 1711, VIII, p. 9.

شاردن در جاهایی دیگر، مانند شرح میدان، واژه «Plan» را برای «قصد» به کار می‌برد، اما در بالا آن اصطلاح از واژه «Vue» جدا می‌شود.

5. «Adumbrationem sive planographiam»

6. Merian

۷. صفحه ۸ از *Praefatio* (مقدمه)

8. «declinationem»

9. «icones»

10. Meier-Lemgo, *E. Kaempfer erforscht das seltsame Asien*, p. 39:

«نقشه شهر [...] متأسفانه باقی نماند». مایر-لمگو آثار منتشر نشده کمپفر را در موزه بریتانیا بررسی کرد. به نظر

اما به «نقشه جایگاه حکومت»^۱ بر گردیم _ که به خاطر این وضعیت تازه ارزنده‌تر به نظر می‌رسد _ و بپرسیم، طاق کاشی‌دار لندن مربوط به کدام یکی از سه ساختمان مذکور می‌شود. هرچند هنوز پاسخ قطعی به این پرسش نمی‌توان داد، اما از طریق بررسی تاریخ ویرانی بناها، احتمال می‌رود که طاق متعلق به «تالار طویل»، «تالار اصطبل در باغ اصطبل» باشد. این ساختمان از همه بناهای ذکر شده برجسته‌تر و بنابر اولناریوس دارای تزئین تصویری (و چنان که خواهیم دید، هم تزئین کاشی) بود. به نظر می‌رسد که طاق‌های کاشی‌دار در آنجا یا روی دیوارهای محصور آن محتمل است و موضوع طاق مذکور _ که به وزیری بی‌وفا مربوط است _ مناسب کاخ پذیرایی ست. اگر به سرنوشت پسین ساختمان بپردازیم، می‌توان انتظار داشت که در متن پ. کُست «آثار مدرن ایران»^۲ کنار تصویر سه وجود داشته باشد، ولی نیست. در چاپ اول جغرافیای اصفهان از میرزا حسین خان (۱۸۷۷ م.)، که لطف الله هنرفر از آن در کتاب خود، گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۱۳۴۴ ش/ ۱۹۶۶ م.)، راجع به بناهای تاریخی اصفهان نقل قول می‌آورد، نام ساختمان در آنجا باز تالار طویل، دیوانخانه است و گفته می‌شود که آن بسیار بزرگ، دارای تالاری بزرگ با تزئیناتی زیاد و اتاق‌های دیگر بوده و کنار عالی قاپو قرار داشته است.

ارنست هولتسر، مهندس آلمانی که میان سال‌های ۱۸۶۳ و ۱۸۹۰ م. به عنوان رئیس قسمت تلگراف ایران مشغول بود و از روی عشق و علاقه در اصفهان به تماشا و عکاسی می‌پرداخت، به «تالار طویل»، که «به آن خیلی کم توجه می‌شود و بنابراین، چندی تغییر نیافت» در خلاصه خود (بین ۱۸۸۸ و ۱۸۹۰ م.) به عنوان کاخی در دست شاه اشاره می‌کند. در انتخاب عکس‌های منتشر شده وی،^۳ آن ساختمان متأسفانه موجود نیست، اما به جای آن، بناهای دیگری مانند آئینه خانه و کاخ هفت دست، که دیگر از بین رفتند، آورده شده‌اند. کرزن «تالار طویل، یا تالار اصطبل» را چنین ذکر می‌کند: آن «قسمتی از کاخ است، الآن برای اجرای امور رسمی از آن استفاده می‌شود».^۴

ف. سره،^۵ که می‌توانست پیش از سال ۱۹۰۰ م. عکس‌هایی از آئینه خانه، هفت دست و آخرین کلاه فرنگی چهارباغ بگیرد، تالار طویل را ذکر نمی‌کرد. ا. اوبن^۶ در سال ۱۹۰۷ میلادی می‌نویسد: «از تالار

می‌رسد قلمکار «نقشه» ستوان ارشد بارون فن دُئپ بوده باشد. شغل وی قلمکاری نبوده است و تنها قلمکاری باقی مانده وی، میدان، صفحه ۱۷۰ و سواری عید فطر، صفحه ۲۱۰ است.

1. *Planographia sedis Regiae*

2. *Monuments modernes de la Perse*

3. Ernst Hölzer, *Persien vor 113 Jahren*, part 1: Esfahan, published by M. Assemi, Teheran, 1976.

ترجمه فارسی به کوشش محمد عاصمی؛ ارنست هولتسر، ایران در یکصد سال اخیر، تهران، بردیا، ۱۳۷۹. [م.]

قدردانی هولتسر:

Jennifer Scarce in *Art and Archaeology Research Papers (AARP)*, April 1976.

R. Hehn, in *Du XXIX*, 1969, p.86 f.

4. Curzon, *Persia and the Persian Question*, 1892, II, p. 36.

5. F. Sarre

6. E. Aubin, *La Perse d'aujourd'hui* (published 1908), p. 286.

اصطبل شاهی در اصفهان و نقشه محله کاخ.../ سارا ماریا مایر

اصطبل، جایی که تاجگذاری شاه سلیمان صورت گرفت، دیگر چیزی جز زمین‌های خالی و کپه‌های آشغال نیست و تنها در جاهای کمیاب چند تکه سنگ باقی مانده‌اند»^۱ (اشاره از ه. گوبه). احتمال دارد که لورد گرینوای^۲، رئیس شرکت نفت انگلیس ایران تا سال ۱۹۰۸ م، در آن زمان یا حتی پیش‌تر، طاق کاشی‌دار را از ویرانی‌های تالار طویل به نحوی نگهداری کرده است. افزون بر این، اطلاعاتی در مورد کسی که بنا را ویران کرده در دست داریم. ه. ر. دالمنیه^۳ (وی در سال ۱۹۰۶ م. در اصفهان بود) در کتاب «از خراسان به سرزمین باختیاری‌ها»، ۱۹۱۱ م. جلد چهارم، صفحه ۶۴ می‌نویسد که «فقط چند سال پیش بود که در سمت چپ (خیابان شاهی که از عالی قاپو جدا می‌شود) کاخ بسیار بزرگی بود که به دستور ظل‌السلطان ویران شده است»^۴. آن مأمور دولتی، برادر مظفرالدین شاه، میان سال‌های ۱۸۸۵ و ۱۹۱۲ م. مانند حاکمی در باغ‌های کاخ اسدآباد ساکن بود. هرچند وی از لحاظی سهمی در حفظ چهل ستون و هشت بهشت داشت، چون از آنها برای اهداف خود استفاده می‌کرد، اما از لحاظ دیگر، چیزهای زیادی را از بین برد.

خبر دیگری نیز داریم که به مشخص کردن جای طاق کمک می‌کند. پوپ در بررسی هنر ایران^۵ (صص ۱۱۹۷-۱۱۹۸) کاخ‌های از دست داده اصفهان را که توسط ظل‌السلطان از بین برده شدند، نام می‌برد: آئینه خانه، هفت دست و تالار طویل یا کاخ اصطبل. در پانویس مربوط به آخرین کاخ مذکور، آمده است: «از این ساختمان تابلوی کاشی‌های هفت رنگ در موسسه هنر شیکاگوست». در نتیجه، بنا دارای تزئین کاشی بود و طاق کاشی‌دار از «اصطبل‌های شاهی» تنها باقی مانده نیست، بلکه شاید «خواهرها و برادرهایی» از همان مکان اصلی داشته باشد.

ما در جستجو اصطبل‌های شاهی اصفهان پس از چندین بیراهه باز به تالار طویل، یا به قول کرزن و احتمالاً هم لرد گرینوی، به «تالار اصطبل‌ها»، برگشتیم. راجع به بناهای دیگر، در منابع چندان مطلبی نیامده و اهمیت کمتری دارند، گرچه به طور کلی مغایر نیستند. ما با راهنمایی کمپفر و گلدیتری، به مسائل متعلق به محله کاخ پرداختیم و در راه‌های گوناگون آن محله گردش کردیم. کمپفر به ما نشان داد که «خیابان بسته، راه دیواری شهر قدیم» (ص ۱۷۸) مرز تاریخی موجود میان محله کاخ کمی قدیم‌تر رو به میدان و محله کاخ جدیدتر رو به چهارباغ بود. کسانی که بازسازی‌های سابق را طراحی کردند، نتوانستند آن را باور کنند و آنها مشکلی را که بدین ترتیب ایجاد شد، به وسیله ارتباط‌های عجیب میان فضاهای باغ، که به طور نامنظم با هم مربوطند، «حل کردند» که به نظر دیگر لازم می‌رسد.

طبعیتاً حفاری در باغ سرهنگ قهرمان، که از طریق هبه دادن هشت بهشت به دولت، بازسازی و

1. «Le pavillon de l'Écurie, où fut couronné Shah Soléïman, ne sont plus que terrains vagues et monceaux de décombres, où persistent, en rares endroits, quelques fragments de faïence»

2. Lord Greenway

3. H. R. d'Allemagne, *Du Khorassan au Pays des Bakhtiars*, 1911, IV, p. 64.

4. «Il y a peu d'années encore, s'élevait du côté gauche (du chemin royal venant d'Alī Qāpū) un immense palais que il-es-Sulān fit démolir».

5. *Survey of Persian Art*

بررسی ساختمان را ممکن ساخت، مطلوب است و به وسیله بریدگی که از «خیابان بسته» (و خانه‌های اصطبل‌داران) رد می‌شود، جای شک باقی نخواهد ماند. به نظر می‌رسد که حفاری همچنین در جاهای کلاه فرنگی وسط باغ اردو و گلستان موفق خواهد بود، چون آن مکان‌ها در باغ واقعند و انگار هنوز روی آنها ساخت و ساز نشده است. اگر این اتفاق بیافتد، قسمت بزرگ محله کاخ معلوم و «نقشه نگاری جایگاه حکومت» از کمپفر تأیید شود.

جستجوی بنیان‌های تالار طولیه بسیار سخت است، برای اینکه آنها احتمالاً زیر خیابان استانداری در آمده‌اند. آن خیابان که مساوی با میدان است و از محله کاخ رد می‌شود، تازه پس از گرفتن عکس هوایی توسط اشمیت^۱ در سال ۱۹۳۶ میلادی، ساخته شد. حیاط جلوی نمای جنوبی تالار اشرف تنها جایی است که احتمال یافتن رده‌هایی وجود دارد. جستجوی آخرین کلاه فرنگی در چهارباغ مطلوب، اما به همین اندازه سخت است. شاید این اتفاق در هنگام عملیات جاده‌سازی بیفتد. بر خلاف کمپفر و گلدیتری، به نظر من این کلاه فرنگی در جلو دیوار غربی باغ اردو قرار ندارد، بلکه به طور انفرادی به عنوان پایان در وسط و محور اصلی خیابان برجسته - که عرض آن ۴۷ متر است - واقع شده. همه ساختمان‌ها در خیابان چهارباغ، به صورت منظم و متناسب در آمدند. قلمکاری از شاردن، پایان جنوبی چهارباغ در آن سوی رودخانه راه، به همین گونه نشان می‌دهد.^۲

سره، کلاه فرنگی را دیده و عکس آن گرفته است. وی به عنوان «نکته دید، که خیابان به آن می‌رسد»^۳ به کلاه فرنگی اشاره می‌کند. روی تصویر وی، ساختمان در فضای باز قرار دارد و تنها به وسیله ساختمان الحاقی رو به شرق احتمالاً متعلق به دیوار مرزی چهارباغ است. به نظر می‌رسد، ارتباط با محله کاخ از طریق راهرویی ایجاد شده باشد. پیتر و دلاواله، شاردن و پس از آن، کرزن، آن راهرو را توصیف می‌کنند.^۴

1. E. F. Schmidt, *Flights over Ancient Cities of Iran*, 1940, table 26.

برش بزرگ‌تر آن در:

W. Hinz, *Am Hofe des persischen Großkönigs*, table 7.

مشابه به آن:

Gaube and Wirth, *Der Bazar von Isfahan*, table 4.

2. Chardin, VIII, p. 169, Nr. 42.

3. Sarre, *Denkmäler Persischer Baukunst*, p. 89, fig. 70.

آخرین کلاه فرنگی احتمالاً روی عکس‌های هولتس (ص ۱۰۰ و شاید ۱۰۶) هم قابل تشخیص است.

4. Pietro della Valle, *Reisebeschreibungen*, Genf, 1674, II, p. 18:

در نامه‌ای از هفدهم مارس ۱۶۱۷ م.، وی در مورد آخرین کلاه فرنگی می‌گوید که «تنها دلیل ساختن آن این است که بدین ترتیب همه خیابان از بالا دیده می‌شود و از طریق راهرو درازی با سقف می‌توان از این خانه به کاخ شاهی رسید». خلاصه‌تر:

Chardin, VIII, p. 170.

ترجمه فارسی به کوشش شعاع‌الدین شفا؛ پیتر و دلاواله، سفرنامه، چاپ دوم، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰. [م.] مربوط به آن:

Curzon, *Persia and the Persian Question*, II, p. 38.

اصطبل شاهی در اصفهان و نقشه محله کاخ.../ سارا ماریا مایر

شرایط برای تشخیص دادن جای حرمسرا کمتر مناسبند. «نقشه» در این مورد هم زیاد مطمئن نیست. کمپفر به وارد شدنش - به عنوان کمک اصطبل‌دار وارینیوس - به دروازه حرمسرا تا حیاطی با چهار ایوان اشاره می‌کند. این اتفاق در هنگام عملیات تعمیر رخ داد.^۱ هر چند «طاق‌های دراز که ایوان نامیده می‌شوند»^۲ را می‌توان روی نقشه در چهار جهت حیاط مشخص کرد، اما به نظر می‌رسد قلمکار دچار سوء تفاهم شده باشد و کف بناها را به اشتباه به شکل «U» کشیده است. کمپفر نتوانست از حیاط جلوتر برود: «امکان نگرستن به این محله را داشتیم، ولی بقیه توپوگرافی برایم معلوم نیست»^۳. وی پس از آن، شفاهیات دیگران را نقل می‌کند و طراحی تخیلی از سکونت‌گاه اصلی شاه و همسرانش^۴ را می‌کشد (حرف «d» در صفحه ۱۷۷). و قلمکار کمپفر آن سکونت‌گاه را مانند چشم‌انداز به جهتی از کاخ ورسای در می‌آورد. اگر گلدیتری، چنان که بیان کرده است، طراحی تالار تیموری^۵، تالار اشرف^۶ و بنای گنبددار کنار عالی قاپو^۷ را به طور مفصل ارائه کند، به پژوهش‌های مؤسسه خاورمیانه^۸ که به ما شناخت جدیدی از هشت بهشت، چهل ستون، عالی قاپو و مسجد جامع هدیه دادند، تفاهم محله کاخ به طور عام اضافه می‌شود. بدین ترتیب شاید روزی راز تنظیم و تطبیق میدان فهمیده و حل شود.

ملاحظه اصلاحی: نویسنده به این نتایج رسید: ۱. تالار طولیله قطعاً مکان اصلی طاق کاشی‌دار لندن

مقایسه کنید با:

Jane Dieulafoy, *La Perse*, 1887, p. 254 f.

(شرح دیدار کلاه فرنگی در سال ۱۸۸۱ م.)

ترجمه فارسی به کوشش محمد فره وشی؛ ژان دیولافوا، *سفرنامه ایران و کلد، تهران، افراسیاب، ۱۳۸۱*. [م.]

1. *Amoenitas Exoticae*, p. 201; Hinz, p. 229.

2. *fornices mediae, eiwan dictae*

3. «Locum hucusque inspexi, reliquae topographiae ignarus»

4. «Regis et regiarum conjugum ac foeminarum mansio primaria»

۵. تالار تیموری، با چشم انداز بیرونی: هنرفر، ص ۳۲۸.

۶. تالار اشراف، گودرد، *آثار ایران* ۲، ۱۹۳۷، ص ۱۶۲، تصویر ۵۹. جزئیات قبه:

Beaudouin, *Urbanisme II*, 1933, Nr. 10, Plan du centre d'Ispahan

(نقشه مرکز اصفهان) pp. 24-5. (با طراحی کف و موقعیت)

Pope, *Survey*, 1194, fig. 120 Grundriss (طراحی کف), table 479 C Detail des Innenraumes

(جزئیات درون بنا).

هنرفر، ص ۵۸۰ و ۵۸۱، تصویر ص ۵۸۲: جزئیات قبه.

۷. شاردن به بنای گنبددار به عنوان مسجد صوفیان یا «طاوس خانه» سپاه شخصی شاه یا بتخانه اشاره می‌کند:

Chardin, VIII, p. 70.

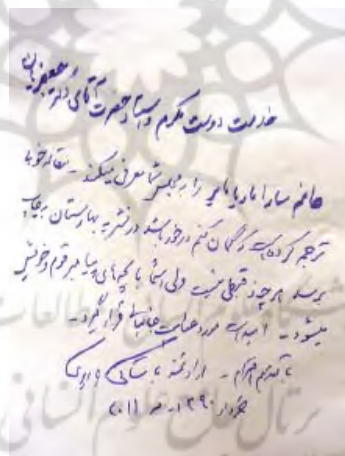
کمپفر شرح سبک بنای ساختمان و کاربرد آن را می‌آورد:

Amoenitas Exoticae, pp. 178, 183.

به نظر می‌رسد این بنا در زمان متأخر به سبب استفاده از آن به عنوان زندان، هیچ وقت بررسی نشده است.

8. IsMEO

است. دروژتا اشرودر و م. ویلیس^۱ خیلی لطف کردند و به من عکسی از طاق در موزه هنر شیکاگو فرستادند. تصویر آن طاق از لحاظ سبک، بسیار شبیه به طاق لندن است. یولند کروو^۲ قسمت دیگری از طاق را، که «در سال ۱۹۰۱ م. میان ویرانی‌های کاخ شاه عباس کشف شد»^۳ معرفی کرد. آن قسمت شامل تصویر تاریخی عجیب و حتی شبیه‌تر به طاق لندن است. (۲) در هنگام واریسی عکس‌های قدیم، بناهای دیگر «نقشه نگاری» را به صورتی که در اواخر سده پیش وجود داشتند، پیدا کردم، که نقشه کمپفر را تأیید می‌کنند: الف - کلاه فرنگی هشت گوشه، هنرفر، ص ۴۸۸؛ ب - کلاه فرنگی دروازه میان گلستان و هشت بهشت، جین دیولافوا،^۴ ص ۲۴۹، طبق عکس سال ۱۸۸۱ م؛ ج - کلاه فرنگی دروازه چهارباغ، پی. گُست، تصویر ۳۵ و سره، تصویر ۱۱۸. اینجا ساختار ریاضی برنامه‌ریزی پشت پرده معماری کلاه فرنگی - که نخست ساده به نظر می‌رسد - معلوم می‌شود. همچنین روشن می‌شود که کلاه فرنگی نهایی چهارباغ تنها در محور میانه درست عمل می‌کند. ا. گلدیتری در ضمن به من نامه‌ای فرستاد و با این نکته و نکته‌های دیگر، توافقش را اعلام کرد. بررسی مفصل این نتایج و نتایج دیگر تازه در پژوهش بعدی راجع به بناهای از بین رفته اصفهان می‌تواند صورت بگیرد. در آن پژوهش، کار برجسته معماری و شهرسازی شاه عباس (تعداد بناها از بناهای باقی مانده بسیار بیشتر است) با کمک قلمکاری‌ها، عکس‌ها و نقشه‌های قدیم، بررسی و مجسم خواهند شد.^۵

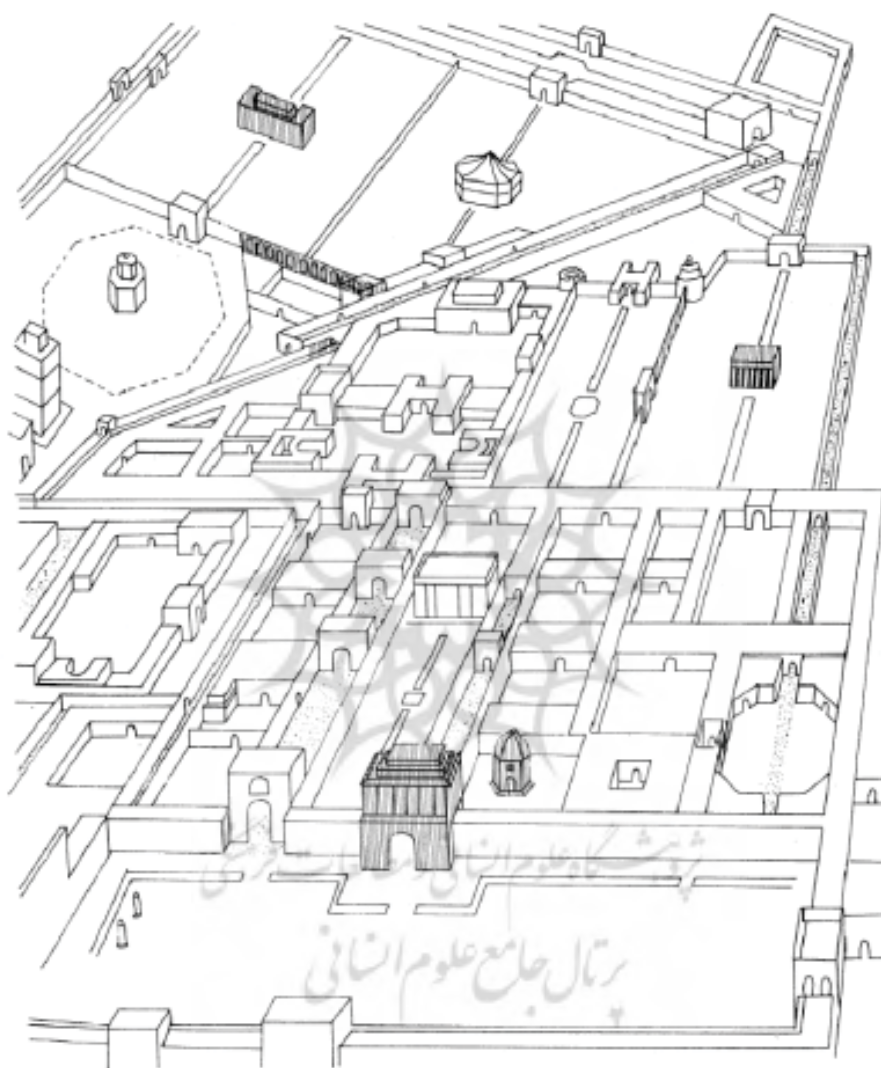


1. Dorothea Schroeder and M. Willis
2. Yolande Crowe
3. «découverte en 1901 dans les ruines du palais de Shah Abbas»
4. Jane Dieulafoy

۵. قابل ذکر است که ویلم فلور در سال ۲۰۰۲ م، مقاله‌ای درباره تالار طویله نوشته و در آن، به نتایج جدید بسیار جالبی رسیده است [م.]: ر.ک:

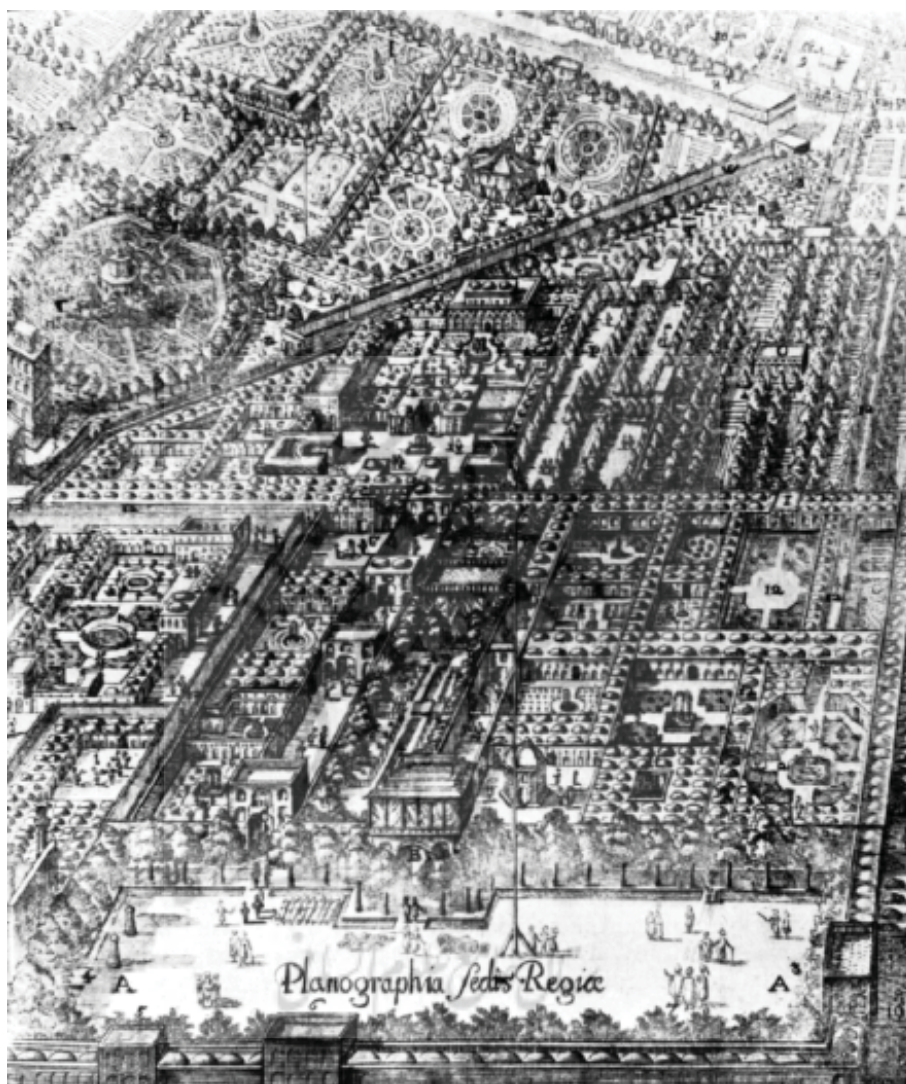
Willem Floor, "The Talar-i Tavila or Hall of Stables, a Forgotten Safavid Palace", in: *Muqarnas*, Vol. 19 (2002), pp. 149-163.

اصطبل شاهی در اصفهان و نقشه محله کاخ.../ سارا ماریا مایر



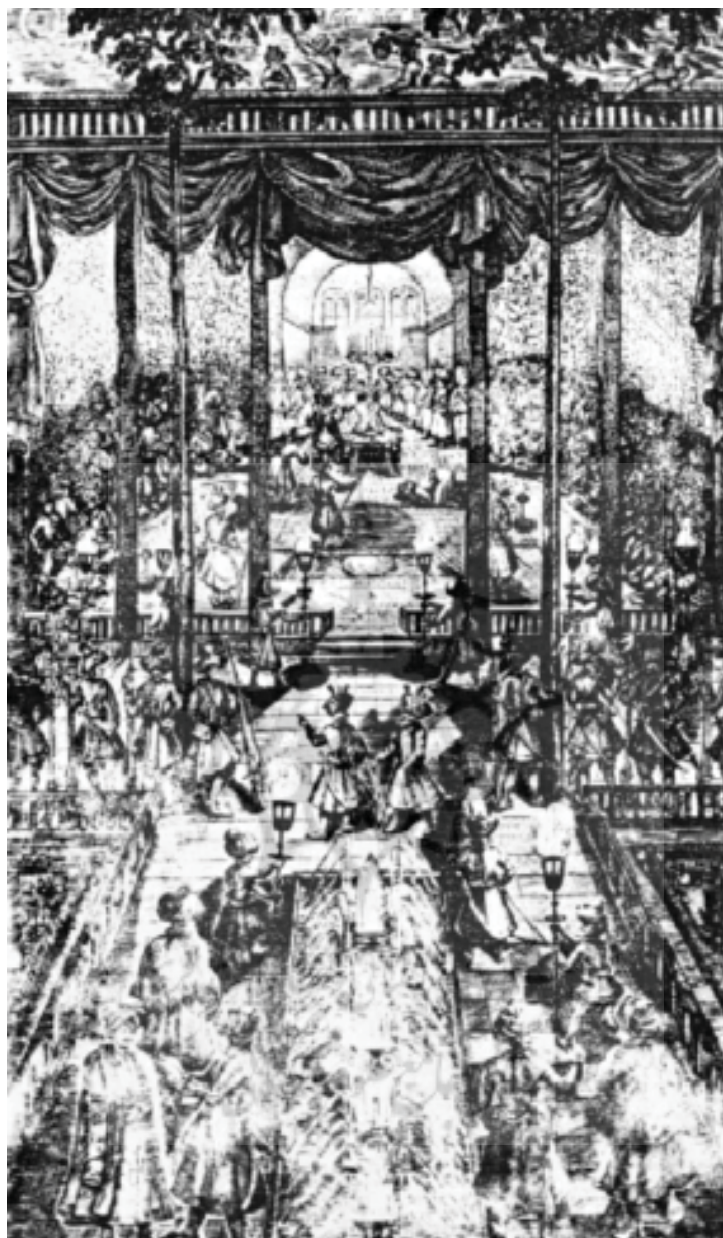
طراحی ۱: طراحی دوباره «نقشه» کمپفر از گلدیثری. بناهای برج مانده با خطوط مشخص شده‌اند.
طراحی مجدد توسط گویه.

اصطبل شاهی در اصفهان و نقشه محله کاخ.../ سارا ماریا مایر



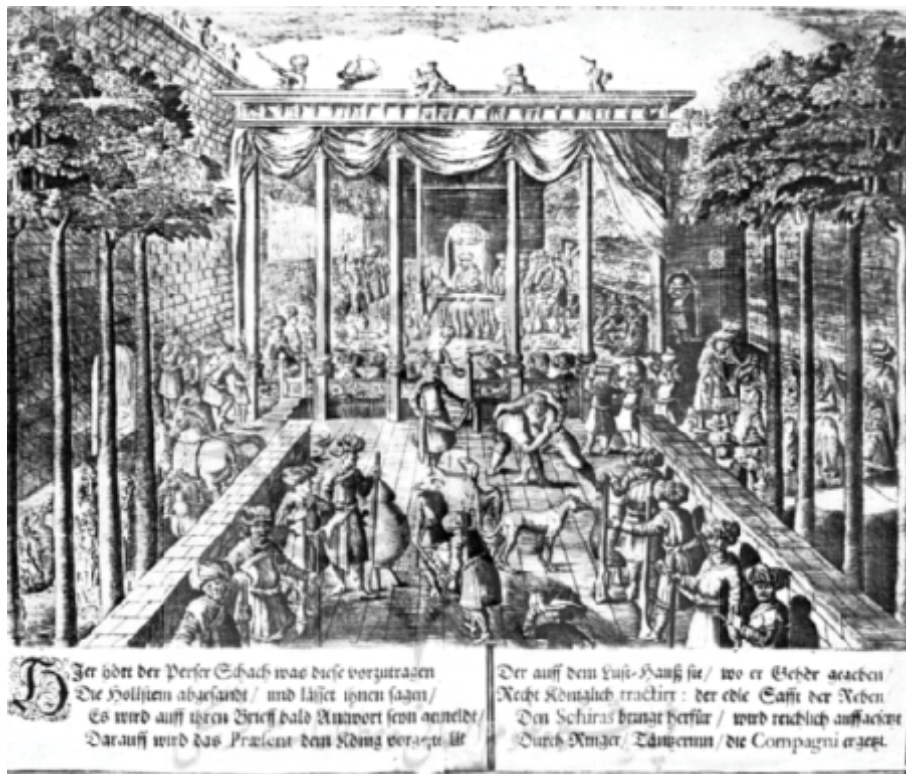
تصویر ۱: «نقشه محله کاخ» از انگلبرت کمپفر. طراحی ۱۶۸۴/۱۶۸۵ م.، قلمکاری از ۱۷۱۲.

اصطبل شاهی در اصفهان و نقشه محله کاخ.../ سارا ماریا مایر



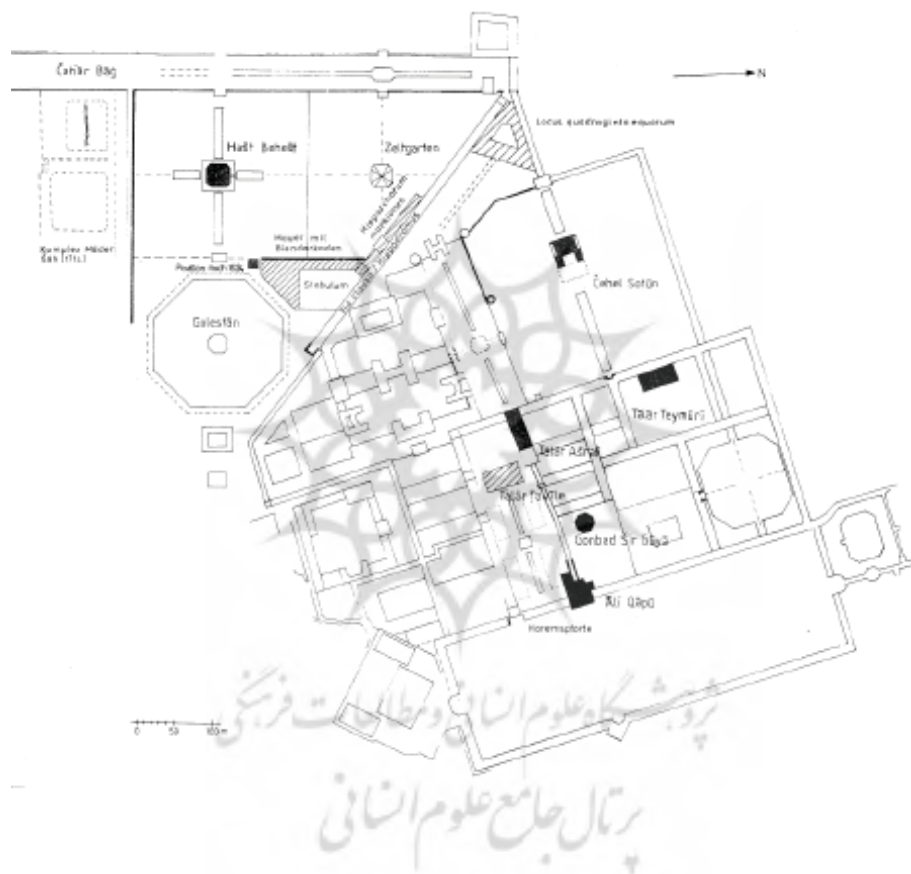
تصویر a۲: تاجگذاری شاه سلیمان در سال ۱۶۶۶ م. در تالار طویل. قلمکاری در:
«Amoenitates Exoticae»
از کمپفر (۱۷۱۲).

اصطبل شاهی در اصفهان و نقشه محله کاخ.../ سارا ماریا مایر



تصویر b۲: پذیرایی هیأت هلشتاین در سال ۱۶۳۷ م. توسط شاه صفی. قلمکاری در:
«Neue Moskovitische und Persianische Reisebeschreibung»
از آدام اولناریوس (۱۶۹۶).

اصطبل شاهی در اصفهان و نقشه محله کاخ.../ سارا ماریا مایر



پیام بهارستان / ۲۰، س ۴، ش ۱۶ / تابستان ۱۳۹۱

طراحی ۲: تبدیل «نقشه» انگلبرت کمپفر به نقشه مدرن از شهر توسط گلدیتری.
 بناهای به جا مانده با رنگ سیاه و اصطبل ها، با خطوط مشخص شده اند. طراحی دوباره توسط گوبه.